

## بررسی نقش و جایگاه دولت در نگرش اقتصادی اسلام

سکینه اشرفی<sup>(۱)</sup>

### چکیده

این تحقیق سعی در بازشناسی دولت و وظایف آن در اقتصاد اسلامی و تعیین مبانی نظری مربوط به نحوه و حدود دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی متناسب با روح قانون اساسی دارد.

هدف عمده از ارائه این پژوهشی، رفع مشکلات و معضلات ساختاری اقتصاد ایران ناشی از نحوه عمل هدایتی دولت است که به علت تبیین نشدن مبانی نظری و عملی مکتب اقتصادی اسلام بروز کرده است. چنان که در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، علی‌رغم توجه و تأکید قانون اساسی بر مبانی اسلامی، شاهد تغییر گرایشهای مستمر اقتصاد سیاسی از بازار به برنامه و بالعکس بوده‌ایم، آن هم فقط بنا به اقتضائات سلیقه‌ای و توصیه‌های بین‌المللی که صرفاً راهبردهای نظری و عملی فاقد هدف، کارایی و نتیجه را در پی داشته است.

## مقدمه

دولت و حکومت یک هویت جمعی یا قرارداد اجتماعی است که به عنوان چهارچوبی از ارزشها شناخته می‌شود و خود قدرت عمومی را برای تحقق آن ارزشها بکار می‌برد. اصل مسلم در این باره آن است که حضور دولت باید عاملی در راه به کمال رسانیدن تواناییهای نهفته جامعه و ارتقای کلی آن باشد.

از نظر علمی مشکل بتوان زندگی را بدون دولت تصور کرد. به دلایل چندی باید در خصوص دولت به دقت اندیشید. نخست اینکه وجود دولت نه فقط مبین وجود مجموعه‌ای از نهادها است، بلکه حاکی از وجود نگرشها و شیوه‌های اعمال و رفتاری است که مختصراً «مدنیت» خوانده شده و به حق جزئی از تمدن بشمار می‌آیند. البته برخی از مواضع گوناگون نسبت به ضرورت وجود دولت شک و تردید کرده و اندیشه‌هایی در خصوص جامعه بی‌دولت عرضه داشته‌اند، لکن در سطح امور روزمره، دولت به صورت ظریف در قسمت عمده زندگی ما نفوذ و رخنه می‌کند. زندگی ما در دورن چهارچوب دولت آغاز و پایان می‌یابد. بدین سان دولت علاوه بر آنکه مفهومی پیچیده است، واقعیت روزمره‌ای است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

دوم اینکه دولت نه نهادی منفعل و بی‌طرف است که بتوان آن را نادیده گرفت و نه حاصل تصادفی صرف و ساده، بلکه دارای برخی خصوصیات قدیمی و سنتی است که به تدریج در طی زمان رشد کرده‌اند.

اولین دولت اسلامی در زمان پیامبر(ص) بر پا شد. جوهره حکومت اسلامی این نظریه است که «حاکمیت مطلق از آن خدا است»

از اینرو، همراه با حاکمیت خداوند، قدرت برپا ساختن و تأسیس حکومت به بشر واگذار شده است و مشورت با امت از میان فرایندهای دموکراسی، در قرآن سفارش و

تأکید شده است.<sup>(۱)</sup>

در نظام اقتصادی اسلام، به حق دولت اسلامی برای مداخله در امور اقتصادی بسیار شده و هیچ کس اهمیت این موضوع و ضرورت آن را منکر نشده، هر چند برای آن حدود دقیقی هم ارائه نگردیده است.

مسئولیت اصلی دولت اسلامی در تحقق اصل عدالت اجتماعی نمود پیدا می‌کند، که اجرای اصل تأمین اجتماعی و تحقق بخشیدن به اصل توازن (یا تعادل) اجتماعی از شاخه‌های این اصل است.

در ایران، به دلیل ساختار خاص اقتصادی - اجتماعی و کنترل و نظارت دولت بر مهمترین نهادهای سیاسی - اقتصادی، مدیریت دولتی را می‌توان اصلی‌ترین و مهمترین بخش اقتصادی به شمار آورد که به صرف وجود منابع درآمدی رایگان نفت، بدون توجه به مبانی نظری از پیش مشخص شده در زمینه نحوه حدود دخالت دولت در اقتصاد، گسترش پیدا کرده و بعضاً در سیاستهای ضد و نقیض کلان اقتصادی، با توجه به اقتضانات کوتاه مدت و سلیقه‌ای، نقش دولت و حجم فعالیت‌های مشخص شده برای آن کم و زیاد شده است.

به عبارت دیگر، پذیرش اصول نظام‌های مغایر در نظام اقتصادی کشورمان، به دلیل ناهمسازی یا تضاد فکری، موجب ایجاد اختلال در نظام اقتصادی و ناکارایی آن شده است.

بنابراین تبیین مبانی نظری نحوه و حدود دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی که با روح قانون اساسی و اصول و مبانی فکری، اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی کشورمان همخوانی داشته باشد لازم و ضروری است. به عبارت دیگر، باید قواعد بازی فعالیت کارگزاران اقتصادی از جمله دولت به طور کامل روشن شود و بیشترین هماهنگی و سازگاری را با هدف‌های نظام داشته باشد، چراکه در غیر اینصورت در عمل محکوم به شکست خواهد شد.

هدف عمده ارائه این پژوهش، تبیین نحوه و حدود دخالت دولت با توجه به مبانی

نظری اقتصاد اسلامی است.

با توجه به اصول کلی حاکم بر اقتصاد اسلامی، از جمله مبانی مالکیت، ابتدا با توجه به تفکیک مالکیت عمومی، دولتی و خصوصی، اصل آزادی اقتصادی در کادر باورهای دینی، اصل عدالت اجتماعی و ابعاد مالکیت دولت و سایر اصول و پایه‌های اقتصادی اسلام کلیاتی از ضرورت‌های دخالت دولت و مسئولیت‌های آن در اقتصاد اسلامی ذکر می‌شود. در این خصوص، ابتدا به نقش دولت در نظریه توزیع قبل از تولید و سپس نقش آن در نظریه تولید و سرانجام نظریه پس از تولید اشاره خواهد شد.<sup>(۱)</sup>

### ضرورت‌های دخالت دولت و مسئولیت‌های آن در اقتصاد اسلامی

اولین دولت اسلامی در زمان پیامبر (ص) برپا شد. همان گونه که گفته شد، جوهره حکومت اسلامی این نظریه است که: «حاکمیت مطلق از آن خدا است». دولت از مفاهیمی است که نزدیکترین بشر به خداوند، آورده است، و از طرف دیگر، انسان به عنوان جانشین خداوند بر روی زمین قرار داده شده است.<sup>(۲)</sup>

از این رو همراه با حاکمیت خداوند، قدرت برپاساختن و تأسیس حکومت به بشر واگذار شده و مشورت با امت از میان فرایندهای دموکراسی، در قرآن سفارش و تأکید شده است.<sup>(۳)</sup>

در نظام اقتصادی اسلام، به حق دولت اسلامی برای مداخله در امور اقتصادی بسیار توجه شده است و هیچ کس اهمیت این موضوع و ضرورت آن را منکر نشد، هر چند برای آن حدود دقیقی هم ارائه گردیده است.

اهداف دولت اسلامی از دیدگاه «ماوردی» عبارت است از: «ادامه وظیفه نبوت در حمایت از مذهب و مدیریت امور دنیوی». «ابن خلدون» می‌گوید: «... مطابق با شریعت، ... تمام امور دنیوی با در نظر گرفتن نتیجه‌شان در آخرت مورد توجه قرار می‌گیرند و از این رو وظیفه دولت اسلامی را «وادار کردن هر کس به پیروی از فرامین شریعت و امور

۱- مراجعه شود به آیت ا. سیدمحمدباقر صدر. اقتصاد ما؛ ترجمه محمد کاظم موسوی، انتشارات اسلامی ۱۳۵۰، علاوه بر اقتصاد ما از آیت... صدر می‌توانید به نوشته‌های استاد مطهری نیز مراجعه کنید.

۲- آمل عمران، ۱۵۹.

۳- بقره، ۳۵.

دنیوی» می‌داند.

در این تعریف از وظیفه دولت اسلامی، دو عامل ممتاز و بی‌نظیر می‌تواند مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱. یک سیستم منطبق با اصول عقلانی توسط دولت، برای تعیین ارتباط، ارزش، اثر تصمیمات سیاسی و فرایند بکارگیری آنها مدنظر است. همچنین مشخص می‌شود که هر سیستم سیاسی اساس و منطق خاص دارد و از این نظر، ابن خلدون انواع مختلف سیستمهای سیاسی را به این ترتیب بیان می‌کند: سلطنتی، دموکراسی و اسلامی اساس منطقی حکومت سلطنتی بر ارزشهای احاطه‌کننده آن و امیال و تعصباتی است که آن را به پیش می‌برد. نوع دموکراسی مبتنی بر تعلق بشری بدون ارزشگذاری یا پیشبرد توسط وحی الهی است و اساس منطقی اسلام، عقل بشری تحت فرمان وحی الهی - هم در ارزشها و هم در متدولوژی - است.

۲. قلمرو یک دولت اسلامی، همان‌گونه که امور آخرت را شامل می‌شود، امور دنیوی را نیز دربر می‌گیرد و همچنین مسئولیت دولت اسلامی در قبال شهروندان، کمک به آنها برای کسب رضای الهی است.<sup>(۱)</sup>

شهید محمد باقر صدر در بیان سیاستهای کلی دولت اسلامی می‌گوید: «ضمن آنکه در جامعه اسلامی بر دولت واجب شده است که سیاست اقتصادی برای تولید را بر اساس پدیده‌های متحرک زمانی الهام گرفته از پژوهشها و تحقیقات علمی بنامند، همچنین دولت باید تمامی موانع سیاسی که سر راه جامعه در بهره‌وری از ثروت‌های عمومی شده‌اند را برطرف سازد».<sup>(۲)</sup>

ایشان همچنین وظایف اساسی دولت اسلامی را به شرح ذیل طبقه‌بندی کرده است:<sup>(۳)</sup>

الف - اجرا و اعمال پدیده‌های ثابت اقتصاد اسلامی،

1. Monzer kahf, "The Islamic state and welfare state : Similarities and Differences", REDING INPUBLIC FINANCE IN ISLAM, Islamic research and training institute (IDB), 1995, pp. 59-60.

۲- شهید محمدباقر. صدر؛ محمد باقر - طرح گسترده اقتصاد اسلامی؛ ترجمه فخرالدین توشتری؛ انتشارات

بدر، ۱۳۵۹، ص ۴۶. ۳- محمدباقر صدر، همان، صص ۱۵۹-۱۳۸.

ب - رفع نیازهای جدید بر اساس پدیده‌های متحرک در پرتو نمودهای عمومی اسلامی

ایشان در خصوص قسمت اخیر از اموری مثل جلوگیری از هرج و مرج، ضمانت نگهبانی اجتماعی، وظیفه حفظ تعادل اجتماعی، وظیفه رسیدگی به بخشهای عمومی و سیطره بر تمامی نیروهای تولید جامعه نام می‌برد.

شئون حکومت اسلامی از دیدگاه «اسدالله بیات» عبارت است از: تنظیم کلی برنامه‌ریزی اقتصادی و سیاستگذاری، جعل مقررات مالی برای تأمین نیازمندیهای نظام و عموم جامعه اسلامی، صدور و دستور اخذ و ضبط وجوه مالی (خمس، زکات خراج، جزیه و مالیاتهای دیگر)، سرمایه‌گذاری عظیم برای بهره‌برداری از منابع سرشار طبیعی و ذخایر زیرزمینی، و رفع تبعیض و نابرابری به‌طور یکسان برای همگان از طریق در اختیار عموم قرار دادن امکانات فراوانی قانونی.

«حیدر نقوی» در این باره از رشد اقتصادی در اقتصاد اسلامی، به شرطی که در چارچوب استراتژی تلفیق کنترل دولت بر ابزار تولید، توأم با سیاست هوشیارانه تشویق ابتکارات خصوصی باشد، بحث کرده است.<sup>(۱)</sup>

وظیفه اساسی و عمده دولت اسلامی را می‌توان در برپایی عدالت جستجو کرد. عدالتی که تحقق آن در ارسال پیامبران الهی تعقیب گردیده و در روش و سنت ائمه اطهار (ع) دیده می‌شود؛ توصیه و تأکیدات بسیاری که برای اجرای عدالت و قسط به عمل آمده است.<sup>(۲)</sup>

طرح اینکه عدالت گستران مورد محبت خداوند هستند<sup>(۳)</sup> و بشارت به عذاب دردناک برای قاتلان آمران به عدالت<sup>(۴)</sup>، همگی بیانگر اهمیت این معنا در نظام اسلامی است.

شهید صدر نیز مسئولیت اصلی دولت اسلامی را محقق ساختن اصل «عدالت

۱- حسن؛ سبحانی، نظام اقتصادی اسلام؛ مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۲۷.

۲- مائده؛ آیه ۲۵ و نساء؛ آیه ۱۳۵.

۳- حجرات؛ ۹.

۴- آل عمران، آیه ۲۱.

اجتماعی» می‌داند<sup>(۱)</sup> که در: اجرای اصل تأمین اجتماعی، و تحقق بخشیدن به اصل توازن (یا تعادل) اجتماعی نمود پیدا می‌کند.

تأمین اجتماعی به بر دو پایه استوار است: الف) اصل کفالت همگانی یعنی مسئولیت متقابل افراد نسبت به یکدیگر، ب) اصل سهم بودن جامعه در درآمدهای دولتی.

اصل اول، در حقیقت حاکی از وظیفه دولت، در ملزم ساختن مردم به رعایت تکالیف قانونی آنها است. دولت در سازمان جامعه اسلامی، ضامن اجرای احکام و نیز مسئول صحت اجرای مقررات است. کفالت همگانی یا مسئولیت متقابل افراد در مقابل یکدیگر، به حاجتهای ضروری محدود شده است. اسلام، کفالت همگانی را با اصل اخوت اسلامی مربوط دانسته تا نشان دهد که این اصل، صرفاً از نظر اخذ مالیات از درآمدهای اضافی وضع نگردیده، بلکه از نظر علمی از مسأله اخوت ریشه می‌گیرد، که دولت ضامن اجرای آن است.

به موجب اصل دوم، دولت مستقیماً و رأساً وظیفه دارد سطح زندگی مناسبی را برای کسانی که عرفاً به این حد از رفاه مادی نرسیده‌اند، فراهم کند. قلمرو مسئولیت دولت در این مورد با آنچه در مورد اول گفته شده فرق دارد؛ زیرا در اینجا، دولت بیشتر از آنکه وظیفه داشته باشد احتیاجات ضروری و شدید را برطرف کند، موظف است سطح زندگی متناسب با شرایط و مقتضیات روز را برای افراد تضمین و تأمین کند.

اساس تئوریک و فطری اصل تأمین اجتماعی را باید در حق مشترک جامعه در منابع ثروت جستجو کرد، زیرا منابع مزبور، برای استفاده جمعی آفریده شده، نه برای گروهی خاص: «خلق لکم ما فی الارض جمیعاً»: آنچه را در زمین است برای همه شما آفریده. بنابراین مسئولیت مستقیم دولت در ضمان، بر پایه حق عام جامعه در بهره‌برداری از ثروتهای طبیعی، و وجود این حق به نفع کسانی که از کارکردن ناتوانند، استوار است. البته راه رسیدن به هدف مزبور را در فعالیتهای عمومی و دولتی باید جستجو کرد.

۱- محمدباقر؛ صدر، اقتصاد ما؛ ترجمه عبدالعلی اسپهبدی؛ ج ۲، ج ۲، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۷، صص

شاید گویاترین نص تشریحی در این باره که اساس اندیشه دینی و راهی عملی را نشان می‌دهد، آیات سوره حشر<sup>(۱)</sup> باشد که نقش فیء<sup>(۲)</sup> را به عنوان قسمتی از درآمد دولتی و عمومی مشخص می‌سازد.

قسمت آخر آیه «کی لا یکون دولة بین الاغنیاء منکم»: تا دستخوش سلطه و جریان بین توانگران نباشد، جنبه عمومی بودن فیء را تشریح و تفسیر می‌کند؛ چه از این راه، حق مشترک جامعه در سرمایه‌های طبیعی، تضمین و از احتکار سرمایه‌ها به وسیله اقلیت جلوگیری می‌شود، و بر ضرورت مصرف آنها به منظور رفع نیازمندی ایتام، مساکین و این سیبل تأکید می‌گردد تا به این وسیله، تمام افراد از منابع طبیعی و خدادادی منتفع شده، سهم خویش را از آنها برداشت کنند.

اصل دیگر در حوزه مسئولیت دولت اسلامی، اصل تحقق بخشیدن به توازن (یا تعادل) اجتماعی است. اسلام ضمن توجه به مسأله توازن جمعی، دو واقعیت را که یکی جنبه طبیعی و دیگری جنبه مرامی دارد، از نظر دور نداشته است. منظور از واقعیت و حقیقت طبیعی، تفاوت انسانها از حیث خصایل و صفات روحی، جسمی و فکری است. واقعیت دوم، در قانون کلی توزیع به کار رفته و به استناد آن، کار مبنای مالکیت و حقوق مالکانه شناخته شده است.

دولت موظف به ایجاد توازن جمعی و نزدیک سازی طبقات مختلف به یکدیگر و نیز افزایش سطح زندگی مردم کم درآمد است. به تناسب وظیفه و مسئولیتی که دولت در به ثمر رساندن هدف رفاه عمومی و توازن جمعی بر عهده دارد، اختیارات و امکاناتی نیز در اختیارش قرار داده شده که این امکانات را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱- وضع مالیاتی‌هایی که به طور ثابت و مستمر اخذ می‌شود و برای برقراری توازن عمومی به صرف می‌رسد.

۲- فعالیتهای بخش عمومی و سرمایه‌گذاریهای دولتی. در حدیثی از امام موسی بن جعفر (ع) آمده است: در صورتی که اموال زکاتی کافی نباشد، ولی امر باید از سایر

۱- حشر، آیات ۶ و ۷.

۲- منظور از فیء تروتهایی است که مسلمانان از کفار، بدون قتال به غنیمت می‌گیرند و در اختیار ولی امر، است. از این رو فیء را باید نوعی از انفال دانست.



سرمایه‌ها و اموالی که در اختیار دارد، به قدر لازم در دسترس فقرا قرار دهد تا آنجا نیاز آنها رفع بشود.

۳- تعیین اختیارات قانونی و حقوقی برای تنظیم روابط اقتصادی جامعه و نظارت بر تولید و نیز رسیدن به توازن جمعی و تحقق بخشیدن به آن، برعهده سیستم قانونگذاری است. قانونگذاری در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، دولت را در اجرای هدفهای برنامه توازن، یاری می‌کند. احکام اسلام درباره اندوخته نقدینه، بهره پول به صورت ربا، مقررات ارث، اعطای اختیارات قانونگذاری به دولت و مخالفت با بهره‌برداری از ثروتهای خام طبیعی، به سرمایه خصوصی امکان و قدرت آن را نمی‌دهد که در قلمرو تولید و تجارت به حدی بزرگ و قوی شود که توازن اجتماعی را در معرض خطر قرار دهد.

در ادامه این فصل، جهت بررسی بیشتر نقش دولت در فعالیتهای اقتصادی از جنبه‌های گوناگون، به سه نظریه، توزیع قبل از تولید، تولید و توزیع پس از تولید توجه شده و ضرورت و اندازه مداخله دولت در این سه نظریه مورد بررسی قرار گرفته است. نظریه توزیع قبل از تولید، به حقوق فرد و دولت در ثروتهای طبیعی و نقش نظارتی دولت در قیمتگذاری عوامل تولید و توزیع درآمد توجه دارد. در نظریه تولید، حق دخالت دولت در تولید، به منظور پیش راندن تولید به سمت توزیع عادلانه ثروت مطرح می‌گردد و نظریه توزیع پس از تولید، به نقش نظارتی دولت در تخصیص بهینه منابع برای تأمین عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی برای کلیه شهروندان مسلمان مربوط می‌شود.

### نقش دولت در نظریه توزیع قبل از تولید

در اسلام بحث توزیع - بر خلاف اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری که در آن، بحث تولید مقام اول را حائز است - سرآغاز - مطالعات اقتصادی است و مباحث مربوط تولید، در مرحله بعد قرار دارند. بر خلاف نظام اقتصاد سرمایه‌داری که در آن، مبحث توزیع بر تعیین سهم صاحبان عوامل تولید از محصول متمرکز است، در نظام اقتصادی اسلام به توزیع منابع تولید، مالکیت ثروتهای طبیعی، و حقوق افراد، جامعه و دولت نسبت به آن

نیز پرداخته می‌شود و با وضع یک سلسله مقررات ایجابی، ثروتهای طبیعی و منابع تولید به چند نوع تقسیم گردیده، برای هر یک قواعدی خاص تبیین می‌شود. احکام مالکیت عمومی و دولتی در مورد ثروتهای طبیعی و نحوه بهره‌برداری افراد از آن، نظریه توزیع قبل از تولید را مطرح می‌کند. هدف ما از طرح این بحث، تبیین رابطه فرد و دولت و حقوق هر یک از این دو است. به عنوان ارزیابی نقش دولت اسلامی در توزیع قبل از تولید به توزیع ثروتها و منابع طبیعی اشاره می‌کنیم.

### توزیع ثروت و منابع طبیعی

طبق قانون اسلام، تمام آبهای سطحی و زیرزمینی جزء مشترکات عمومی است و به همه افراد جامعه اسلامی تعلق دارد. معادن و زمینهای موات جزء انفال محسوب می‌شوند و در مالکیت دولت اسلامی قرار دارند. جنگلها، مراتع، و بیشه‌ها نیز جزء انفال یا مشترکاتند، همچنین است شیلات، حیوانات شکاری و محیط زیست. منظور از مشترکات، مشترک بودن مالکیت آنها بین همه افراد امت اسلامی است. بنابراین هیچ شخص یا گروهی نمی‌تواند مشترکات را به انحصار خود درآورد.

با در نظر گرفتن احکام مالکیت منابع طبیعی در اسلام، ملاحظه می‌شود که توزیع این ثروتهای طبیعی که منشأ ایجاد ثروتهای سرمایه‌ای است، به موجب احکام حقوقی اسلام به نحوی است که برای هیچ فرد یا گروهی امتیاز انحصاری به وجود نمی‌آورد و اغلب آنها در مالکیت جامعه یا دولت قرار دارند.<sup>(۱)</sup>

در نظام سرمایه‌داری، بر مبنای اصل آزادی، مالکیت فردی بر منابع طبیعی امکانپذیر است و بهره‌برداری از آن از راه به کارگیری سرمایه و نیروی کار انسانی صورت می‌پذیرد. در مقابل در نظام اقتصادی اسلام، ثروتهای طبیعی که در مالکیت عمومی قرار دارند، به مالکیت فردی در نمی‌آیند و حق بهره‌برداری افراد از آنها محدود به رفع نیاز و مشروط به مباشرت مستقیم به انجام کار است. البته نوع کاری که در ثروتهای طبیعی ایجاد حق می‌کند بسته به نوع آنها متفاوت است. همچنین حقی که در اثر انجام دادن کار

۱- سید کاظم؛ صدر، اقتصاد صدر اسلام؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛ ۱۳۷۵؛ ص ۵۷.

بر ثروتهای طبیعی پیدا می‌شود، یکسان نیست و بستگی به نوع منابع طبیعی دارد<sup>(۱)</sup> که در زیر به بخشی از آن می‌پردازیم:

انفال، یعنی زمینهای موات و معادن رامی‌توان با احیا مورد بهره‌برداری قرار داد و بر آنها حق مالکیت یا حق تصرف پیدا کرد. منظور از احیا، آباد کردن و به بهره‌برداری رساندن زمین یا معدن است، به اندازه‌ای که بهره‌خالص آن مساوی با معدل بهره زمینهای مجاور بشود. اگر احیاکننده از ادامه بهره‌برداری منصرف شده، زمین را رها سازد، حق تصرف او زایل می‌شود و دیگری می‌تواند با احیای مجدد زمین حق تصرف در آن را پیدا کند. اما اگر احیاکننده دارای حق مالکیت شود، حق او باقی می‌ماند.

در چنین مواردی، دولت اسلامی می‌تواند با وضع مالیات بر زمین بایر، مالکان را به بهره‌برداری، یا فروش آنها به سایر بهره‌برداران یا انتقال به دولت ملزم سازد. به طور خلاصه، از منظر توزیع قبل از تولید، برای آنکه کار ایجاد حقوق خصوصی کند، باید صفت اقتصادی داشته باشد. احتکار نمی‌تواند منشأ مالکیت باشد.

شیره دیگر بهره‌برداری از منابع طبیعی که در مورد مشترکات کاربرد دارد، حیات است، از طریق حفر چاه، یا کشیدن نهری از رودخانه، یا صید و شکار و بهره‌برداری، فاعل، فقط نسبت به آب استخراج شده یا ماهی و حیوان شکار شده حق مالکیت پیدا می‌کند. البته این حق برای سایر بهره‌برداران نیز محفوظ است. هنگامی که بر اثر زیاد شدن جمعیت، بین بهره‌برداران تزاخم پدید آید، ممکن است دولت اسلامی به منظور حفظ منافع جمع، محدودیتهایی را قائل شود.<sup>(۲)</sup>

توزیع مجدد منابع طبیعی، بر اثر احیا و حیات، به نفع نیروی کار صورت می‌گیرد، و به صاحبان ابزار و سرمایه این حق تعلق نمی‌گیرد، بلکه به آنان فقط اجاره سرمایه تعلق

۱- حسین؛ نمازی، نظامهای اقتصادی؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛ ۱۳۷۴؛ ص ۲۴۵.

۲- در این خصوص به پدیده «طسق» نیز می‌توان اشاره کرد که ارتباط میان مالکیت عمومی و دولتی منابع طبیعی و بهره‌برداری از آنها را روشن می‌کند؛ طسق مالیاتی است که امام آن را به منظور ایجاد توازن اجتماعی و برای حفظ حق مشارکت و عمومی جامعه در منابع طبیعی، از کسانی که از آن بهره‌برداری می‌کنند دریافت می‌دارد و در عین حال مؤید نقش دولت در اِستیفای حقوق افراد جامعه از ثروتهای طبیعی است.

می‌گیرد.<sup>(۱)</sup> این امتیاز ضمن حفظ عدالت توزیع، انگیزه لازم را به منظور بهره‌برداری بیشتر برای شاغلان و رشد و توسعه را برای جامعه ایجاد می‌کند.<sup>(۲)</sup>

### نقش دولت در نظریه تولید

فعالیت‌های تولیدی انسان به تعبیری همان اجرا و عملی شدن قواعد عمومی توزیع است. بنابراین تولید، در واقع پیاده کردن قوانین توزیع است. حق دخالت دولت در تولید، برای همین است که تولید به سمت توزیع عادلانه ثروت رهبری شود و قانون توزیع به مرحله عمل درآید و از اعمالی که منجر به تخلف از قوانین می‌شوند، جلوگیری گردد. این موضوع که دولت اجازه احیاء به افراد را فقط در حدودی می‌دهد که عدالت اجتماعی تهدید نشود، ناظر بر همین اصل است.

به طور خلاصه می‌توان گفت که اصل «مداخله دولت» در امور اقتصادی که به موجب آن دولت، تولید را «ارشاد» می‌کند، وسیله‌ای است که دولت اسلامی همواره برای ضمانت اجرای قوانین عمومی و توزیع، و جلوگیری از کج رویها و تخلف از عدالت اجتماعی در اختیار دارد.<sup>(۳)</sup>

استخراج هر ذره مفید از تمام جهان، یک هدف مکتبی جامعه اسلامی محسوب می‌شود. اسلام از دو راه برای رسیدن به این هدف استفاده می‌کند: الف) تعلیمات اخلاقی، ب) ابزار قانونی.

ابزارهای قانونی اسلام برای تشویق تولید و باز داشتن از بیکاری یا عدم استفاده از منابع به شرح زیر است:

۱- شیوه‌های توزیع مجدد درآمد حاصل از تولید یا مبادله، علاوه بر احیا و حیازت شکل‌های گوناگونی دارد که از میان آن‌ها می‌توان مزارعه، مساقات، مضاربه، اجاره و بیع را نام برد. در سه نوع مشارکت اول به ترتیب زمین احیا شده، باغ، سرمایه برای کشاورزی یا تجارت همراه با نیروی کار به مشارکت گذارده می‌شود و منافع حاصل به نسبت مورد توافق میان صاحبان زمین و سرمایه با نیروی کار تقسیم می‌گردد. در عقد اجاره نیروی کار یا ابزار سرمایه، در مقابل مزد یا کرایه معینی برای مدت مشخص به استخدام درمی‌آید. در عقد بیع کالا یا نهاده با مبلغ معلومی داد ستد می‌شود.

۲- سیدکاظم، صدر، اقتصاد صدر اسلام؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛ ۱۳۷۵؛ ص ۵۸.

۳- محمد باقر صدر؛ اقتصاد ما؛ ج ۲؛ ص ۳۰۰.

- ۱- اگر مالک خصوصی در زمین زراعت نکند و از کشت کردن و استفاده از آن خودداری ورزد، دولت زمین را از مالک خصوصی می‌گیرد.
- ۲- زمینهای عمومی فقط متناسب با امکانات بهره‌برداری به افراد خصوصی واگذار می‌شوند.
- ۳- یک نوع بیمه اجتماعی برای تضمین زندگی و تضمین پرداخت بدهیها وجود دارد.
- ۴- دولت نقش هدایت و رهبری تولید را در رابطه با برنامه‌ریزی و بنگاههای دولتی به عهده دارد.
- ۵- دولت مجاز است منابع را به دست گرفته، آنها را به منظور حداکثر کردن امکان تحقق اهداف ارزشی جامعه مجدداً توزیع کند.
- ۶- دولت به عنوان یک برنامه‌ریز مرکزی و سرپرست در زمینه فعالیت‌های اقتصادی وارد می‌شود.

در نگرش به تولید، بر تلاش انسان برای بهبود وضعیت مادی و نیز وضعیت معنوی خود، به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف خویش در جهان دیگر تأکید شده است. بنابراین تولید ثروتهای طبیعی و صنایع استخراجی، باید طبق مقررات قانونی صورت گیرد و تأسیس واحدهای بزرگ اقتصادی، برای بهره‌برداری طبیعی و گماردن آنها در خدمت جامعه، فقط بدین ترتیب مجاز و مشروع قلمداد شده است. بنابراین با سلطه‌ای که دولت بر صنایع استخراجی و تولید مواد اولیه خام دارد، خواهد توانست به طور غیر مستقیم، رشته‌های مختلف تولید را زیر نظر بگیرد.

### نظریه توزیع پس از تولید

در این قسمت از تحقیق، به گسترده‌ترین نقش دولت، که در این نظریه متجلی می‌شود، می‌پردازیم. فعالیت‌های اقتصادی که در این نظریه به آن توجه شده عبارتند از: قیمتگذاری و تخصیص منابع، و نقش بازار در توزیع پس از تولید، و ضرورت و اندازه مداخله دولت در این فعالیتها.

### قیمت‌گذاری و تخصیص منابع

یکی از مشکلات تمامی سیستم‌های اقتصادی، تخصیص منابع به طور کاراست. در سیستم سرمایه‌داری، منابع از طریق عملیات بازار آزاد تخصیص می‌یابند، در حالی که در اقتصاد اسلامی، قیمت‌های تعیین شده توسط مکانیزم بازار نمی‌تواند همیشه به عنوان یک قاعده مورد قبول واقع شود. قیمت توأم با مساوات اسلامی، نیازمند آن است که از رقابت نظارت شده، کنترل آگاهانه، و تعاون و همکاری متقابل خریداران و فروشندگان ناشی گردد.

در این دیدگاه، هدف اولیه تخصیص منابع، «حداکثر کردن مطلوبیت» نیست، بلکه پاسخگویی به نیازها است. تخصیص مجدد منابع به نحوی است که قبل از اینکه به تولید لوازم لوکس و غیر ضروری پردازیم، ابتدا نیازهای اساسی کل جامعه برآورد می‌شود. واضح است که این تخصیص مجدد از طریق مکانیزم بازار عملی نخواهد شد، بلکه دست مرئی دولت - در مقابل دست نامرئی مکانیزم بازار - باید وارد عمل شود و این مسئولیت را با برنامه‌ریزی آگاهانه به انجام رساند.<sup>(۱)</sup>

با توجه به اهداف جامع اقتصاد اسلامی، دولت اسلامی ممکن است تصمیمات قیمت‌گذاری زیر را، به خصوص برای تأمین نیازهای اولیه فقیرترین بخش جامعه مورد نظر قرار دهد. با وجود این، انتخاب چنین مسیری بستگی به شرایط اقتصادی جامعه دارد.

۱- جیره‌بندی غیر قیمتی همراه با مکانیزم بازار، یعنی توزیع کالاها و خدمات اساسی از طریق توزیع کوپن یا امتیازات تعریف شده دولتی. هنگامی که این روش با فعالیت محدود مکانیزم بازار توأم گردد، ممکن است به بهترین نحو هر دو معیار کارایی و مساوات تأمین شود.

۲- قیمت‌گذاری تا صفر تا (n) برای تسهیلات و خدمات عمومی؛ بدین معنا که برخی از تسهیلات و خدمات عمومی مانند آب، برق و گاز برای افراد بسیار فقیر به طور رایگان

۱- محمد اکرم خان: تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی؛ مباحثی در اقتصاد خرد: نگرش اسلامی؛ ترجمه حسین صادقی، مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، صص ۳۵۵-۳۵۴.

فراهم گردد.

۳- اجتماعی کردن سیاست قیمتگذاری؛ این عبارت، برای اشاره به یقین یک «سیاست افزایش قیمت» بخشی یا ملی توسط دست اندرکاران ذیصلاح است که در یک شرایط اجتماعی به خصوص، عادلانه و منصفانه تلقی می‌گردد.

۴- اعلام قیمت‌های تعاونی هدایت شده یا همان قیمت‌های منصفانه<sup>(۱)</sup> هم برای کالاهای مصرفی و هم برای نهادهای تولیدی که با مداخله غیر مستقیم و انفعالی دولت از طریق تعاون و همکاری اختیاری یا القا شده و دارای منافع متقابل، تضمین می‌شود.

۵- ملی کردن قیمت‌ها؛ به معنی قیمت‌های اداره شده<sup>(۲)</sup> کالاها و خدمات، محدود به نیازهای اساسی انسانی است.

نگرش اسلامی، نه با دیدگاه اقتصاد بازار سازگار است که سود مالکیت خصوصی را حفظ می‌کند و منجر به نابرابری همیشگی در درآمد و ثروت می‌شود و نه با دیدگاه اقتصاد دستوری سازش دارد. که سود و مالکیت خصوصی را از بین می‌برد. نگرش اسلامی، بر مبنای راه راست استوار است و جنبه‌هایی از مالکیت خصوصی دارایی و سایر وسایل تولید را حفظ می‌کند. به بیان اقتصادی، انگیزه‌هایی را فراهم می‌آورد که افراد به سختی کار کنند و به بیان اجتماعی، شأن انسانی به افراد اعطا می‌کند.

#### مداخله دولت در بازار: همکاری آزاد

نخستین رکن ساختار بازار اسلامی، آزادی اقتصادی است. شرح کامل مسئولیت یک مسلمان، لزوماً بر اساس دامنه وسیعی از آزادی استوار است که از آزادی انتخاب معتقدات شروع شده، به کم اهمیت‌ترین تصمیماتی که فرد می‌تواند اتخاذ کند، ختم می‌شود. چون آزادی همزاد مسئولیت است، هر چه دومی بیشتر مورد تأکید قرار گیرد، همزمان باید اهمیت بیشتری به اولی داده شود.

ابوالعلا مودودی بیان می‌کند که از نظر اسلامی، فرد دارای اهمیت است، نه جامعه یا ملت. مقصود و هدف، خدمت فرد به جامعه، نیست، بلکه مآلاً جامعه باید در خدمت

1. Fair.

2. Administered price.

فرد باشد. هیچ جامعه یا ملتی به صورت گروهی در مقابل خداوند مسئول نیست، بلکه هر عضو از جامعه به صورت فردی در مقابل خداوند مسئولیت دارد. دلیل غایبی و نهایی وجود نظام اجتماعی، خشنودی و رفاه افراد است، نه جامعه. از این رو ویژگی حقیقی یک نظام اجتماعی خوب، آن است که به اعضای خود برای توسعه و شخصیت و پیشرفت قابلیت‌ها و استعداد‌های شخصی کمک می‌کند. بر این اساس، اسلام هر گونه سازمان اجتماعی و هر گونه برنامه رفاه اجتماعی را که به تحقیر و تضعیف افراد و وابستگی شدید آنها به نظام اجتماعی منجر شود، تأیید نمی‌کند؛ زیرا در آن صورت، شخصیت مستقل آنها پایمال شده، اکثرشان به ماشین یا ابزاری در دست گروه اندکی تبدیل می‌شوند.

در سرتاسر تاریخ جامعه اسلامی، آزادی اقتصادی به وسیله عرف جامعه و نیز نظام حقوقی تضمین شده است، به طور نمونه می‌توان از امتناع پیامبر (ص) از تثبیت قیمت‌ها، حداقل کردن شکاف اطلاعاتی در بازار توسط پیامبر (ص)، و برخورد با تقلب و انحصار شدید، نام برد. برخی پیامدهای آزادی اقتصادی در اسلام در رابطه با بازار، دولت را به همزیست دائم و ثابت سایر واحدهای اقتصادی در بازار تبدیل می‌کند. در واقع دولت به عنوان یک برنامه‌ریز ناظر، تولیدکننده و همچنین مصرف‌کننده در نظر گرفته شده است. بنابراین مداخله دولت در بازار اتفاقی یا موقتی نیست و از این نظر (مداخله) جنبه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱- از آنجا که اسلام به «دست نامرئی» عقیده ندارد، تولید و توزیع باید سازماندهی گردد تا بتوان به الگوی مصرف و توزیع تعیین شده در تعلیمات اسلامی دست یافت. دولت اسلامی باید نقش برنامه‌ریزی و سازماندهی را بپذیرد. برای اجرای برنامه تولید، دولت می‌تواند تا آنجا پیش رود که به توزیع مجدد اشتغال در میان صنایع بر اساس سهمیه‌های معین بپردازد و این در صورتی است که انتخاب آزاد اشتغال افراد، نیازهای برنامه را برآورد نکند. در اجرای برنامه‌های توزیع نیز تمرکز ثروت را از سه طریق مستقل نفی می‌کند:

۱- اربث،



۲- وجوب خمس و زکات،

۳- منع «مازاد مواد مصرفی»، به این معنا که وقتی یک شخص نیازمند در جامعه اسلامی وجود دارد، هیچ کس حق داشتن مازاد کالاهای اساسی مصرفی را قبل از برطرف شدن نیاز آن شخص ندارد. در عین حال، هیچ کدام از این روشها هدف برابری مطلق در جامعه را دنبال نمی‌کند.

۲- بنگاه عمومی نقش مهمی در نظام اقتصادی اسلام بازی می‌کند و با مالکیت عمومی مرتبط است. مالکیت عمومی شامل موارد عام المنفعه (جاده‌ها و رودخانه‌ها)، منابعی که در مشارکت عمومی است و تمام مواد معدنی که در زیر سطح زمین قرار دارند، می‌شود.

۳- نقش دولت در خصوص بیمه اهمیت خاصی در مکانیسم بازار دارد. بیمه اجتماعی در اسلام بر دو پایه استوار است: مسئولیت متقابل عمومی، و حق مردم از درآمدهای دولت.

مسئولیت متقابل عمومی بر عهده مسلمانان نهاده شده است. تکلیف دولت در تأمین حداقل سطح زندگی از این واقعیت ناشی می‌شود که دولت به عنوان کارگزار مردم عمل می‌کند و به او اجازه داده شده منابع مالی کافی برای اجرای این تکلیف را از طریق خمس و زکات جمع‌آوری کند.

حق عموم بر درآمدهای دولت، مستقیم و بی‌واسطه است، که نه فقط مستلزم تضمین حداقل معیشت است، بلکه تأمین سطح مناسب زندگی در مقایسه با سطح عمومی رایج در جامعه را نیز دربر می‌گیرد. این تفاوت ظریف پیامدهای معین مهمی از قبیل امور زیر دارد:

۱- دولت بدهی تمام افرادی را که قادر به بازپرداخت آن نیستند، به عهده می‌گیرد. این اشخاص در فقه اسلامی به «غارمین» مشهورند.<sup>(۱)</sup>

۲- دولت بدهی فردی را که در هنگام فوت، بیش از دارایی‌اش بدهکار است، به عهده می‌گیرد.<sup>(۲)</sup>

۱- سوره انفال، آیه ۶۰.

۲- محمدباقر صدر، همان.

۳- دولت سطح مناسبی از زندگی که به وسیله سطح جامعه تعیین می‌شود، برای وارث شخص متوفی تأمین می‌کند.

### معیار رفاه، نظریه دولت رفاه و دولت اسلامی

در مواجهه با مشکلات تنزل و رکود اقتصادی، فقر و به تبع آن اشتغال ناقص (بیکاری)، و سرگردانی در انتخاب دموکراسی غربی یا سوسیالیسم شرقی، بسیاری از متفکران مسلمان معاصر، دولت را به پیش‌بینی راه‌های برای این نابسامانیهای اقتصادی، متوجه کردند. کوششهای به عمل آمده، در این خصوص، حول و حوش نظریه «دولت رفاه» بیان شده است.

اسلام از پذیرفتن معیار بهینگی پارتو<sup>(۱)</sup>، امتناع می‌ورزد که در واقع بنای تئوری اقتصاد سرمایه‌داری بر آن استوار گردیده است. «محمد عبدالمنان» دو اصل اساسی و ده معیار رفاه را بر مبنای اصول «قرآن» و «سنت» چنین بیان می‌کند:<sup>(۲)</sup>

اصل ۱- قابلیت قبول و سازگاری اسلامی وجود داشته باشد.

اصل ۲- انتقال‌پذیری عملی حاصل باشد.

و معیارهای رفاه عبارتند از:

- ۱- برتری ارتقای ایدئولوژیک بر خنثی بودن (انفاق)،
- ۲- برتری استفاده کارا از منابع بر عدم کارایی در استفاده،
- ۳- برتری مساوات و حقوق برابر (عدالت) بر نابرابری،
- ۴- برتری منافع مشترک بر منافع فردی،
- ۵- برتری استفاده سودمند بر استفاده بدون زیان،
- ۶- برتری ثبات بر نوسان،
- ۷- برتری اطمینان بر عدم اطمینان،

۱- برخی منتفع‌گردند و هیچ‌کس زیان نبیند. معیار پارتو، به طور ساده بیان می‌کند هر تغییری که به هیچ‌کس آسیبی نرساند و وضعیت برخی از مردم را مطابق برداشت خود آنها بهتر کند، باید یک بهبود تلقی گردد.

۲- محمد، عبدالمنان، کارایی تخصیص، تصمیم و معیار رفاه در اقتصاد اسلامی بدون بهره؛ مباحثی در اقتصاد خرد: نگرش اسلامی، ترجمه حسین صادقی، ۱۳۷۵، صص. ۴۳۸-۴۳۴.

۸- برتری استمرار و پیوستگی بر ناپیوستگی در به کارگیری منابع،  
 ۹- برتری عام‌گرایی بر محدوده‌گرایی و منطقه‌گرایی.

اهداف اصلی دولت رفاه عبارتند از: ایجاد درآمد کافی برای همه به منظور محافظت در برابر فقر، فراهم کردن تحصیل برای کسانی که به واسطه فقر و نیازمندی از تحصیل بازمانده‌اند، تضمین بهداشت مناسب، مسکن کافی از طریق استفاده از تواناییها و بالفعل کردن استعدادهای افراد دیگر.

اهداف دولت رفاه که نگرش جامع‌تر و گسترش بیشتری دارد، عبارت است از:  
 ۱- افزایش کارایی اقتصادی از طریق افزایش تولید، تسهیل تحرک کارگران و افزایش رشد،

۲- تأثیر بر نرخ رشد جمعیت در جهت مناسب،

۳- پذیرش اقلیتها در داخل جامعه،

۴- کاهش اختلاف درآمد و تسل بر منابع،

برای سنجش رفاه، فقط نمی‌توان به درآمد سرانه و مخارج عمومی سرانه برای خدمات اجتماعی در یک جامعه اسلامی توجه کرد، چرا که این معیارها، فاقد مضامین مذهبی و معنوی رفاهند؛ چنان که پیامبر (ص) می‌فرماید: «توانگری به معنای داشتن دارایی زیاد نیست، بلکه توانگری، قناعت است».

همچنین خداوند در سوره بقره می‌فرماید: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّنْفِ تَعْرِفُهُمْ سِيمَاهُمْ لَا يَسْئَلُونَ النَّاسَ الْحَافَاءَ وَمَا تَنَفَّقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»<sup>(۱)</sup> صدقات مخصوص فقیرانی است که در راه خدا ناتوان و بیچاره‌اند و توان اینکه کاری را پیش گیرند، ندارند و از فرط عفاف چنان احوالشان بر مردم مشتبه می‌شود که هر کس از حال آنها آگاه نباشد، پندارد غنی و بی‌نیازند، به فقر آنها از سیمایشان پی برید که از عزت نفس هرگز آنها چیزی از کسی سؤال نکنند و هر چه انفاق کنید خدا بر آن آگاه است»<sup>(۲)</sup>.

۱- بقره، آیات ۲۳۷ و ۲۷۳.

2. Monzer kahf, "The Islamic state and the welfare state : Similarities and differences", REDINGS in public finance in Islam, Islamic research and training institue (IDB) 1995. p.p 57-61.

## فهرست منابع و مآخذ

## الف - منابع فارسی

- ۱- ابوالحسن، م. صادق؛ «قیمت‌گذاری عوامل و توزیع درآمد از دیدگاه اسلام»؛ مباحثی در اقتصاد خرد: نگرش اسلامی؛ ترجمه حسین صادقی؛ مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.
- ۲- اکرم خان، محمد؛ «تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی»؛ مباحثی در اقتصاد خرد: نگرش اسلامی؛ ترجمه حسین صادقی، مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.
- ۳- توتونچیان، ایرج؛ «پول در اقتصاد اسلامی»؛ اقتصاد و مدیریت؛ ش ۲؛ ۱۳۶۸.
- ۴- توتونچیان، ایرج؛ «تحلیل مقایسه‌ای حد بهینه سرمایه‌گذاری در شرایط اطمینان و ریسک» - اقتصاد و مدیریت، ش ۱۴؛ ۱۳۷۴.
- ۵- حجاریان، سعید؛ «توسعه، عدالت، اسلام» مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛ ۱۳۷۶.
- ۶- سبجانی، حسن؛ نظام اقتصادی اسلام؛ نشر سازمان تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۷۳.
- ۷- صدر، سید کاظم؛ «روش تحقیق در اقتصاد اسلامی»؛ جزوه آموزشی.
- ۸- صدر، سید کاظم؛ اقتصاد صدر اسلام؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛ ۱۳۷۵.
- ۹- صدر، محمد باقر؛ اقتصاد ما؛ ج ۱؛ ترجمه محمد کاظم موسوی؛ انتشارات اسلامی؛ ۱۳۵۰.
- ۱۰- صدر، محمد باقر؛ اقتصاد ما، ترجمه عبدالعلی اسپهیدی، ج ۲، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۷.
- ۱۱- صدر، محمد باقر؛ طرح گسترده اقتصاد اسلامی؛ ترجمه فخرالدین شوشتری؛ انتشارات بدر؛ ۱۳۵۹.
- ۱۲- عبدالمنان، محمد؛ «کارآئی تخصیص، تصمیم و معیار رفاه در اقتصاد اسلامی و بدون بهره»؛ مباحثی در اقتصاد خرد: نگرش اسلامی؛ ترجمه حسین صادقی، مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.

۱۳- عبدالمنان، محمد؛ «دیدگاه‌های اسلامی در زمینه بازار، قیمت‌ها و تخصیص منابع»؛ مباحثی در اقتصاد خرد: نگرش اسلامی؛ ترجمه حسین صادقی؛ موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس؛ ۱۳۷۵.

۱۴- مطهری، مرتضی؛ بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، ج ۱؛ انتشارات حکمت؛ ۱۴۰۳ ق.

۱۵- مطهری، مرتضی؛ انسان و سرنوشت؛ انتشارات بینا.

۱۶- منذر قحف؛ مقدمه‌ای بر اقتصاد اسلامی؛ ترجمه عباس عرب مازار؛ انتشارات سازمان برنامه و بودجه؛ ۱۳۷۶.

۱۷- نمازی، حسین؛ نظام‌های اقتصادی؛ انتشارات دانشگاه تربیت مدرس؛ ۱۳۷۴.

۱۸- عبدالرحمن عسال و عبدالکریم احمد، «الملکية المزوجة»، قراوات فی العامة فی الاسلام، النبع الاسلامی القمینه، ۱۴۱۵ قمری.

#### ب - منابع انگلیسی

- 1- Monzer Kahf "The Islamic State and the welfare state. Similarities and differences" Reading in public Finance in Islam, Islamic research and training Institute (IDB)1995.
- 2- Umar Chapra, Mohammad "The Islamic welfare and its role in the Economy", Ibid.